

مطالعه بایسته‌های راهبردی وحدت در جهان اسلام از منظر حضرت آیت الله سید-علی خامنه‌ای

مطالعه بایسته‌های راهبردی وحدت در جهان اسلام از منظر حضرت آیت الله سیدعلی خامنه‌ای

محمد جواد فتحی

پژوهشگر پژوهشگاه مطالعات جهان

چکیده

در تاریخ پرفراز و نشیب اسلام، تفرقه بین مذاهب و ملل اسلامی، از مسائل پیچیده و بنیان‌کن جوامع اسلامی بوده است که خسارت‌ها و لطمه‌های مادی و معنوی جبران ناپذیری بر پیکر امت واحده اسلامی وارد ساخته است، این زخم خونین در چهره زیبای امت اسلامی از دید مصلحان امت اسلامی پنهان نمانده و نگرانی آنان را برانگیخته است. از این رو در مقاطع تاریخی مصلحان بسیاری در صدد ایجاد وحدت بین مسلمین بوده تا التیام بخش درد مهلک امت اسلامی باشند، هر یک از آنان اهداف ویژه‌ای را نیز دنبال نموده‌اند

با نگاهی اجمالی بر جملگی احکام و مسائل مترتب بر اسلام، آنچیزی که بیش از پیش بدیهی می‌نمایند این است که وحدت مسلمانان و عدم تفرقه میان آنها به کرات فصل الخطاب با بنیان امر قرار گرفته و ائمه اطهار(ع) بارها آن را گوشزد نموده‌اند. بدون شک مسئله وحدت اسلامی که در طول تاریخ هجری پس از اسلام تا کنون همواره مورد توجه و عنایت بزرگان دنیای اسلام از پیامبر اکرم(ص) تا اهل بیت عصمت و طهارت و فقهای امامی و سنی بوده است. قدر مسلم اینکه امروزه دنیای غرب و مخالفین اسلام که به دلیل عقیم ماندن تئوریهای اجتماعی و فرهنگی‌شان در مهار قدرت فزاینده اسلام ناب محمدی (ص) به بن بست مدیریتی رسیده و در مرداب بحران هویت دست و پا می‌زنند علیه شجره طیبه وحدت اسلامی قد علم می‌کنند و در صدد آنند تا با پاشیدن بذر نفاق و تفرقه افکنی و ایجاد شکاف پایدار اعتقادی بین شیعه و سنی، مانع ره آوردی‌های وحدت امت اسلامی بشوند. چنانچه این مهم یعنی وحدت، همدلی و هم‌آوایی نسبی در جهان اسلام صورت پذیرد می‌توان چشم امید به آینده بهتر و شکوفاتر برای مسلمانان سرتاسر عالم بست و به تبع آن کفار و دشمنان قسم خورده مسلمانان در پوستین شیطان به هیچ وجه توان وارد آوردن آسیب به ساحت مقدس اسلام روحانی را نخواهند داشت و در مقابل آن سر تسلیم فرو خواهند آورد. منتها برای این کار باید راهبرد داشت و خط مشی‌ها را تعریف نموده و بدون برنامه و به صورت نامنظم عمل نکرد. چه بسا هدفی مقدس و مشروع به برنامه‌ای حسب نشده و نامنجم تبعات منفی غیرقابل جبرانی برای دنیای اسلام در پی داشته باشد. در این راستا خط مشی‌های فرموده از جانب مقام معظم رهبری می‌تواند به عنوان چراغ راهی عمل نماید و با استنتاج و پیاده نمودن اصول و راهکارهای پیشنهادی توسط وی البته در صحنه عمل، نتایج بهتر و آینده‌ای روشن‌تر برای دنیای اسلام ترسیم نمود و از وخیم تر شدن اوضاع مسلمانان در سراسر جهان ممانعت به عمل آورد. از این رو در این مقاله در صدد بررسی اندیشه‌های رهبری معظم انقلاب اسلامی ایران در باب وحدت در جهان اسلام و راهبرد‌های ارائه شده توسط ایشان می‌باشیم. ابتدا به ساکن به واکاوی مسئله وحدت و تعریف آن خواهیم پرداخت و در وهله بعد با مراجعه به سخنان رسا، شیوا و گهر بار مقام معظم رهبری سخنان ایشان مورد تحلیل و مدقه قرار خواهد گرفت.

مفهوم وحدت

در باب وحدت و معنی این کلمه سخن بسیار رانده شده و تعاریف مختلفی در خصوص آن توسط فطلا و علما ارائه گردیده است. اما دال مرکزی تمامی تعاریف در خصوص معنی وحدت را می‌توان در اتحاد، یکپارچگی، همبستگی، یگانگی و عدم گسیخت دانست به نظر می‌رسد، وحدت که در ادبیات سیاسی با واژه unity آمده

است، از دو ویژگی و مختصه اساسی برخوردار است:

الف) یگانگی درونی

ب) پیوستگی بیرونی.

یگانگی درونی در این معنا به یک نقطه تشابه اشاره دارد که موجب ایجاد بنیاد عمیقی برای پیوستگی‌های عینی است. در لسان قرآن کریم آنگاه که گفته می‌شود: «واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا»، به واقع و در ادبیات مورد نظر ما به همین نکته اشاره دارد که می‌تواند پایه مستحکم وحدت باشد و اتحاد بدون آن بدون منزلت و جایگاه است. پیوستگی بیرونی در این منظر متوجه خط تداوم آن یگانگی درونی در عرصه حیات جمعی برای رسیدن به هدف یا اهداف تعریف شده فردی و اجتماعی و ملی پذیرفته شده است. از همین رو یک ملت با حصول به یگانگی درونی و تسری آن به لایه‌های بیرونی در قالب پیوستگی‌های اجتماعی و بسط آن در تمامی ساحت‌ها و عرصه‌ها و حوزه‌ها و وجوه جامعه ملی می‌تواند به اتحاد ملی دست یابد. باید میان وحدت و اتحاد تمایز قائل شد و در عین هم‌نشینی و ارتباط میان آنها، اتحاد را محصول عینی و عملی وحدت در معنای فوق دانست. اتحاد که معادل فارسی alliance است از معنای تعریف شده‌ای برخوردار می‌باشد که با اندکی بازآفرینی مفهوم فوق را می‌رساند. این مفهوم نیز از دو خصلت و ویژگی اساسی بهره برده است. اتحاد به عنوان انعکاس بیرونی و عملی وحدت از دو مختصه: وحدت درونی و توافق رسمی برخوردار است. در اینجا است که وجوه دوگانه وحدت یعنی یگانگی درونی و پیوستگی بیرونی توافق معنی‌داری را بین اجزاء مورد نظر ایجاد می‌کند که نوعی پیوند معنوی (درونی) را در لایه‌های حیات اجزاء تسری می‌بخشد و انعکاس بیرونی آن را در توافقات رسمی برای ایجاد اتحادها و ائتلاف‌ها به نمایش می‌گذارد. اگر ملت به جمعیت تعریف شده در داخل مرزهای ترسیم شده رسمی اشاره می‌کند که در فرهنگ، مذهب، زبان و قومیت مشترکی که تداوم تاریخی قدرتمند دارند سهم هستند، وحدت ملی اشاره به یگانگی درونی و پیوستگی بیرونی آنها بر حول این مشترکات تاریخی قدرتمند دارند که به دنبال اتحاد در عرصه حیات اجتماعی سیاسی خود برای افزایش قدرت در راستای حصول به اهداف تعریف شده ملی می‌باشند.

وحدت در قرآن کریم

با تأمل در متن مقدس قرآن متوجه می‌شویم که آیات مختلفی در سراسر این کتاب مقدس به چشم می‌خورد که درون مایه تمامی آنها چیزی جز امر به عدم تفرقه و گسیخت فکری، و به بیانی سفارش به چنگ زدن همه مسلمانان به یک ریسمان محکم، نمی‌باشد. جوش و خروش مسلمانان نیز تنها زمانی به چشم خواهد آمد، که مسلمانان به دستورات دین مبین اسلام توجه نمایند و آیات ذیل را توشه راه خود قرار

دهند. در ذیل برخی از آیات قرآن در خصوص وحدت و اتحاد مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

اولین مسئله ای که بیش از پیش به چشم می خورد این آیه گهر بار است که می فرماید: آیات «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران/103). همگی به ریسمان الهی چنگ بزنید، و پراکنده نشوید. حال منظور از «حَبْلُ اللَّهِ» یعنی ریسمان خدا در آیه چیست؟ امیرالمؤمنین در نهج البلاغه می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَعِظْ أَحَدًا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ فَإِنَّ زَنْهَهُ حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ» (نهج البلاغه، خطبه 176) یعنی قرآن «حَبْلُ اللَّهِ» است. رهبر الهی «حَبْلُ اللَّهِ» است. زیرا وقتی راه زیاد شود مردم متفرق می شوند ولی اگر راه یکی باشد مردم متفرق نخواهند شد. لذا قرآن می فرماید: «وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ» (انعام/153) یعنی راه ها که زیاد شد، جمعیت ها هم متفرق می شوند. یعنی تا وقتی رهبر یکی باشد، همه در یک راه هستند ولی وقتی راه ها زیاد شد، مردم هم متفرق می شوند و چند دستگی به وجود می آورد. یعنی عامل تفرقه راه ها و خطوط متعدد است و اگر از ابتدا راه ها یکی باشد مشکلی به وجود نمی آید. «حَبْلُ اللَّهِ» قرآن و رهبر الهی و ایمان است. قرآن می گوید: تفرقه همیشه توسط ابرقدرت ها است. تفرقه به وجود می آورند تا بتوانند مردم را به استضعاف بکشانند. درباره ی فرعون می فرماید: «وَجَعَلْ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ مِثْلَهُ» (مصر/4) یعنی فرعون اهل شهر را گروه گروه قرار داد. (شیعه به معنای گروه گروه است) بعد که گروه گروه شدند آن ها را به استضعاف کشید. علت وجود مستضعف در جامعه تفرقه است، زیرا بر اساس تفرقه و متفرق شدن ضعیف، نفوذپذیر می شوند. مثل قصه ی پدری است که وقتی یک چوب را به فرزندش داد، فرزند توانست آن را بشکند ولی وقتی یک دسته چوب را به او داد نتوانست بشکند. بعد به آن ها گفت: اگر تنها باشید شکست پذیر هستید ولی اگر با هم باشید، هرگز نخواهید شکست.

خدا می فرماید: من سه نوع عذاب دارم:

1- آسمانی (از بالای سر) 2- زمینی (از زیر پاهایتان) 3- تفرقه است.

یعنی خداوند تفرقه را در کنار عذاب آسمانی و زمینی آورده است و این خیلی مهم است. آنچه باعث تفرقه و عامل آن باشد در اسلام حرام است. من و شما با هم دوست هستیم ولی کسی می آید و غیبت شما را به من یا بر عکس می کند و به این ترتیب بین من و شما تفرقه می اندازد. غیبت و تجسس حرام است چون وقتی تجسس کردیم و عیب یکدیگر را دانستیم علاقه مان به همدیگر کمتر می شود و گناه است.

خدا منافقین را لعنت کند که باعث شدند افرادی که جان شان در خطر است از درب دیگری بیایند یا با ماشین خصوصی بیایند و گرنه همانطور که قرآن می گوید: «وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ» (غرقان/7) پیامبر

و همه‌ای مردم یکسان می‌آمدند و می‌رفتند.

وحدت از منظر مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری به موضوع وحدت چنان اهمیتی می‌دهند که آن را به عنوان مسأله‌ای استراتژیک و نه تاکتیکی معرفی نموده و همواره علما، روشنفکران، برجستگان سیاسی و آحاد امت اسلامی را به وحدت ذیل دستورات و آموزه‌های قرآن کریم و ارادت و محبت به پیامبر اسلام دعوت کرده‌اند. وحدت در نگاه مقام معظم رهبری به معنای نبودن تفرقه، درگیری و کشمکش است اتحاد و انسجام اسلامی در دیدگاه مقام معظم رهبری بسیار اهمیت دارد. ایشان از نخستین روزهای مسوولیت مهم رهبری، این مسأله را در مناسبت‌های متعدد گوشزد فرموده و همواره از خطرهای آسیب‌های احتمالی موجود در این مسأله یاد کرده‌اند. ایشان مسأله وحدت را دارای پیچیدگی خاص خود می‌دانند و آن را در صورتی حائز اهمیت می‌دانند که اولاً به از بین رفتن اختلافات منجر شود و ثانیاً حاکمیت اسلامی را به همراه داشته باشد. در مسأله وحدت، دو نقطه یا دو جهت‌گیری اساسی وجود دارد که هر کدام به تنهایی، حائز اهمیت هستند. وقتی ما شعار وحدت می‌دهیم، این دو نکته اساسی باید مورد توجه ما باشد و همینها است که برای زندگی عملی مسلمانان، کارساز است: یکی از این دو نکته، عبارت است از رفع اختلافات و تناقض‌ها، درگیری‌ها، تضادها و کارشکنی‌ها که از قرن‌ها پیش تا امروز، میان طوایف و فرق مسلمانان وجود داشته است و همیشه هم این تناقضها به ضرر مسلمانان تمام شده است. اگر به تاریخ اسلام برگردیم، خواهیم دید که زمان و مبدأ همه و یا قسمت اعظم این تعارض‌ها و تناقض‌ها، به دستگاه‌های قدرت مادی بر می‌گردد. تاریخ اسلام را ملاحظه کنید، خواهیم دید که از اختلافات اولیه – یعنی مسأله خلق قرآن و امثال آن – تا بقیه اختلاف‌هایی که در طول زمان، بین فرق اسلامی – مخصوصاً در زمان‌های بیشتری بین شیعه و سنی – اتفاق افتاده است، تقریباً، سر نخ این اختلافات در تمام بلاد اسلامی، دست‌درتها است. وحدتی که ما اعلام می‌داریم و شعار می‌دهیم و به آن دل بسته هستیم و دنبال آن، حرکت و کار می‌کنیم، نخستین نقطه‌اش باید ناظر به رفع این تعارضها، تناقضها، اختلافها و درگیریها باشد، که خدای متعال به این راضی است و مؤمنان و مخلصان، اولیاء و عقلا، از آن خشنودند (موحدی، 1387ش، ص142).

قام معظم رهبری با حساسیت و دقت انسجام و اتحاد اسلامی را مورد بررسی قرار داده و نه تنها با گفتار و بیانات خود در این زمینه گام برداشته‌اند بلکه در حیطه عمل با تأسیس مجمع تقریب مذاهب اسلامی، حمایت بی‌دریغ از کنفرانس وحدت اسلامی و نامگذاری سال 1386ش به نام سال «اتحاد ملی و انسجام اسلامی»، این ضرورت و اهمیت را اثبات نمودند.

از دیدگاه مقام معظم رهبری ترقی و تعالی دنیای اسلام جز با انسجام اسلامی امکان‌پذیر نمی‌باشد: «در دایره‌ای وسیع، رمز پیروزی امت اسلامی وحدت کلمه است. اگر امت اسلامی می‌خواهد در

میدانهای علم، ترقی، پیشرفت مادی، تسلط بر سرنوشت خویش، رهایی از سلطه بیگانگان و سعادت درونی و بیرونی پیشرفت کند، راهش با کلمه توحید و توحید کلمه است. مراکز قدرت استکباری که از هر عاملی برای تحکیم قدرت خود بر دنیا، استفاده می‌کنند، تلاش کرده‌اند در دنیای اسلام از هر وسیله‌ای برای تجزیه، تفرقه و اختلاف استفاده کنند، که متأسفانه تا حدود زیادی هم موفق شده‌اند. اگر امروز ملت فلسطین دچار چنین سرنوشت تلخی شده است؛ اگر امروز پیکر ملت فلسطین خون‌آلود است و مصیبت و غم آن ملت تا اعماق جان انسانهای دردمند نفوذ کرده است، به خاطر اختلاف کلمه مسلمانان است. اگر وحدت کلمه بود، این وضعیت به وجود نمی‌آمد. اگر عراق اسلامی زیر چکمه اشغال‌گران درآمده است، به خاطر اختلاف کلمه مسلمانان است؛ اگر امروز کشورهای خاورمیانه با فریادهای مستانه و مغرورانه آمریکا مستقیماً تهدید می‌شوند، به خاطر اختلاف کلمه مسلمانان است و اگر مسلمانان می‌خواهند از این خفت نجات پیدا کنند و اگر می‌خواهند فلسطین را نجات دهند و اگر می‌خواهند در افغانستان، عراق و سایر بلاد اسلامی، دشمن نتواند جسم و جان مسلمانان را زیر فشار قرار دهد، راهش در وحدت کلمه و وحدت ملت‌ها، دولت‌ها و وحدت شعارهاست» (بیانات رهبری در دیدار کارگزاران نظام به مناسبت عید سعید فطر، 21/11/1375).

وحدت به قول رهبر معظم انقلاب یعنی: نبودن تفرقه، نفاق، درگیری و کشمکش. حتی دو جماعتی که از لحاظ اعتقاد دینی مثل هم نباشند می‌توانند در کنار هم باشند و می‌توانند دعوا نکنند. مقام معظم رهبری، مبانی فلسفی وحدت را اینگونه بیان فرموده است: «بنای توحید که مبنای فکری و اعتقادی و اجتماعی و عملی ماست در وحدت است. در جامعه‌ای که بر مبنای شرک بنا شده باشد، طبقات انسان هم جدا و بیگانه از یکدیگر است. در جامعه توحیدی، که وقتی مبدأ و صاحب هستی و سلطان عالم وجود و حی و قیوم و قاهری که همه حرکات و پدیده‌های عالم، مرهون اراده و قدرت او می‌باشد، یکی است، انسان‌ها با یکدیگر خویشاوندند؛ چون به آن خدا وصل‌اند، به یک جا متصل‌اند و از یک جا مدد و کمک می‌گیرند. ولایت هم معنایش همین است. ولایت، یعنی پیوند و ارتباط تنگاتنگ و مستحکم و غیرقابل انفصال و انفکاک. جامعه اسلامی که دارای ولایت است؛ یعنی همه اجزای آن به یکدیگر و به آن محور و مرکز این جامعه، یعنی ولی متصل است. لازمه همین ارتباط و اتصال است که جامعه اسلامی در درون خود یکی است و متحد و متصل به هم است و در بیرون نیز اجزای مساعد با خود را جذب می‌کند» (طیبه‌خواه، 1386ش، ص 49). ایشان همچنین وحدت اسلامی را «گرد آمدن صاحبان سلیقه‌ها و روش‌های گوناگون بر گرد محور اسلام» (بیانات رهبری در چهلمین روز ارتحال امام خمینی، 23/4/1368)، معرفی می‌کنند که همان اعتصام به حبل‌الله است که عموم مسلمانان بدان مکلف گشته‌اند.

از نظر مقام معظم رهبری یکی از آسیب‌های جدی جوامع اسلامی در شرایط فعلی، اختلاف‌های مذهبی است. ایشان در این باره می‌فرماید: «حقاً وضع مسلمانان از لحاظ تضادها و اختلافات مذهبی، تأسف‌انگیز است. بسیاری از توانایی‌های علمی و فکری مسلمانان در طول تاریخ، صرف تعارض با یکدیگر شده است ...

تا آن جایی که من یادم می‌آید، درگیریها و تعارضات و جنگهای مذهبی بین مسلمانان، به وسیله قدرتمندان هدایت شده است. از زمان بنی عباس تا زمانهای بعد، همواره دست‌هایی، طرفداران عقاید مختلف اسلامی را به جان هم انداختند. اگر این دست‌ها نبود، آنها با هم سالها در صلح و آرامش زندگی می‌کردند و هیچ مشکلی نداشتند. در زمان حاضر، برای این که مسلمانان با هم متحد و متفق نباشند و علیه هم کار کنند، تلاش‌های مضاعفی انجام می‌گیرد. این تلاش‌ها به خصوص در وقتی تشدید پیدا کرده که نیاز مسلمانان به وحدت، بیش از همیشه است.» (نجفی، 1390ش، ص14).

مؤلفه‌های وحدت و انسجام امت اسلامی در حاکمیت اسلامی از دیدگاه رهبری
برخی از مؤلفه‌های اتحاد و انسجام امت اسلامی در حاکمیت اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری عبارتند از: 1. مبارزه با خوی خودخواهی و دنیاطلبی مسلمانان؛ 2. تسلیم نشدن در برابر نظم باطل جهانی؛ 3. استفاده از موقعیت جغرافیایی جهان اسلام؛ 4. مواظبت در برابر خطر قومیت، مذهب و طایفه‌گرایی؛ 5. درک اهداف دشمن از جنگ شیعه و سنی؛ 6. مبارزه با توطئه عمال تفرقه‌انگیز دشمنان در دنیای اسلام؛ 7. تصحیح استدلال غلط کشورهای مسلمان درباره منافع ملی خود؛ 8. عبرت‌مندی از ملت‌های مسلمان ایران؛ 9. تضعیف و مبارزه با ناسیونالیسم افراطی در کشورهای مسلمان؛ 10. ایجاد اتحاد در مقابل با صهیونیسم؛ 11. رفع سوء ظن بین دولتها و ملت‌های اسلامی؛ 12. شناخت شخصیت پیامبر اعظم (ص) به عنوان محور انسجام اسلامی؛ 13. اتحاد رؤسای کشورهای اسلامی؛ 14. رفع دعوای رسانه‌ای و مطبوعاتی علیه مذاهب اسلامی. در این نوشتار تنها به شرح یکی از موارد فوق اکتفا می‌نمایم.

وحدت کلمه بین مسلمین

منظور از وحدت کلمه از منظر مقام معظم رهبری آن است که همگان تحت یک کلمه توحید جمع شوند، زیرا می‌فرمایند: «پیغمبر اسلام می‌خواست در تمام دنیا وحدت کلمه ایجاد کند. می‌خواست تمام ممالک دنیا را تحت یک کلمه توحید، قرار بدهد.» (خمینی، 1367: 120). بنابراین می‌توان وحدت کلمه بین مسلمین را این گونه تعریف نمود: ایجاد نوعی یگانگی و همگونی بین منافع و اهداف کسانی که دارای خدایی واحد، پیامبری به نام محمد - صلی‌الله‌علیه‌وآله - و کتابی بنام قرآن کریم هستند و هدف آنها سعادت بشری و رسیدن به قرب الهی است.

بنا به عقیده رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران از مهمترین عوامل اختلاف و تفرقه کشورهای اسلامی می‌توان به این امر اشاره نمود:

1- دوری از اسلام اصیل و قرآن کریم: یکی از علل از بین رفتن مجد و عظمت مسلمین و به وجود آمدن تفرقه و مشکلات گوناگون میان آنها، دوری از اسلام و فرامین قرآن است.

2- ملي گرايي: يکي ديگر از عوامل عدم توجه به کشورهاي اسلامي، بحث ملي گرايي است که اين بحث سرانجام به تفرقه و تشتت مي انجامد. پيامبر بزرگوار اسلام مردم عرب، فارس، روم و... را از ملي گرايي به اسلام گرايي، و از اسلام به ايمان و از ايمان به تقوي و مهاجر في سبيل الله ارتقاء دادند و در نتيجه همه مسلمانان ملل مختلف را متحد ساختند. در حاليکه امروزه استعمار غرب مي کوشد تا مسلمانان را به ملي گرايي سوق دهد و البته در اين راه موفقيت هايي را نيز بدست آورده است به همين علت است که ما شاهد وحدت کلمه قوي بين کشورهاي اسلامي نيستيم.

3- فرقه گرايي: فرقه گرايي نيز نقش مؤثري در ايجاد اختلاف بين مسلمين دارد. اينکه در اسلام فرقه هاي متعددي وجود دارند يک امر طبيعي است. اين امر در طول تاريخ اسلام باعث شده تا راه هر نوع مفاهيم و گفتگو بين گروههاي مختلف بسته شود. فِرَق متعدّد اسلامي در حال حاضر هيچ اطلاعات درست و دقيقی از وضعيت و اعتقادات هم ندارند و حتي براي محکوم کردن همدیگر، برخي از نکات را گرفته و جداگانه مورد بحث قرار داده و بر عليه هم بکار مي برند و از اين طريق سعي در اثبات حقانيت خود دارند.

4. تفرقه انگيزي قدرتهاي سلطه گر: يکي ديگر از عوامل اختلاف و همين طور جدائي بين کشورهاي اسلامي، ايجاد و القاي تفرقه از سوي قدرتهاي سلطه گر است اين توطئه بارها از سوي آنان عملي شده است

5- فراموشي ارزشهاي اصيل اسلامي: بسياري از مسلمانان با ارزشهاي اصيل اسلامي فاصله بسيار گرفته اند و حاکمان آنها نيز از آنها در اين زمينه پيشي گرفته اند که اين خود عامل بسياري از تفرقه ها و جدائي ها است. وحدت اگر بخواهد براساس ارزشهاي اسلامي تحقق يابد رکن مؤثر آن ايمان راسخ به اين ارزشها است که متأسفانه امروزه در ميان مسلمانان کمرنگ شده است.

6- دنياگرايي: بسياري از حاکمان کشورهاي اسلامي به شدت اسير تمتعات و تمنيات دنيوي شده اند و آنقدر درگير دنياي خود شده اند که فرصت انديشيدن به آرمان هاي ديني از آنها سلب شده است. همينکه دنياي خود را تأمین کنند براي آنها کمال موفقيت است و توان پرداختن به مقولات ارزشي و آرمانی ندارند .

7- وابستگي به دولت ها و قدرتهاي استکباري: يکي ديگر از موانع وحدت دنياي اسلام را بايد در وابستگي حاکمان آن به ابرقدرتها دانست. هنگامي که دولتها از خود اراده اي نداشته باشند و ريز و کلان تصميمات حکومتي را از خارج به آنها ديکته کنند، انتظار تصميمات عاقلانه و حکيمانه از آنان انتظاري بيهوده است.

معنای صحیح وحدت شیعه و اهل سنت این است که با توجه به این که بین دو مذهب مشترکات بسیاری است، دو گروه باید بر محور این مشترکات به هم نزدیک شوند؛ برای حفظ و تعالی اسلام با همدیگر همکاری و همیاری داشته باشند؛ چرا که هر دو دشمن واحدی دارند. دشمنان اسلام، دشمنان هر دو مذهب هستند. در برابر این دشمنان و برای جلوگیری از سوء استفاده آنان از اختلافات باید در مقابل آنها بر جبهه اشتراک خود تکیه کنند، تا بتوانند بر دشمنان اسلام که دشمن مشترک شیعه و سنی هستند، از خود دفاع کنند. شیعه و سنی، قرن‌های طولانی است که در مسائل گوناگون اختلاف نظر دارند و این امر، گاه از سوی فتنه انگیزان مایه گسست‌ها، بلکه نزاع‌های فراوان در تاریخ شده است، و بی‌گمان، یکی از علل ضعف مسلمانان در حال حاضر در برابر هجمه استعمار غرب، همین امر بوده است. شیعه و سنی هر دو مسلمان و در اعتقادات، احکام، اخلاق و ... دارای مشترکات زیادی هستند، البته اختلاف‌هایی هم دارند که انکارشدنی نیست، اما این اختلاف‌ها نباید منجر به خصومت و دشمنی شود و به اساس اتحاد و برادری اسلامی ضربه وارد سازد. علامه شرف الدین می‌گوید: "سیاست سبب جدایی شیعه و سنی شد، همو نیز باید سبب اتحاد شیعه و سنی شود (شرف الدین، بی تا: 8). منظور این است که سیاست استعماری و دسیسه‌های بی‌گانگان فرق اسلامی و از جمله شیعه و سنی را از هم جدا کرده است، باید سیاست اسلامی به منظور مقابله با دشمن مشترک نیز آنها را به هم پیوند دهد.

شاید قدیمی‌ترین و مهم‌ترین حربه تفرقه افکنان در طول تاریخ اسلام، ایجاد جنگ بین مذاهب اسلامی و نفرت آنها از یکدیگر باشد. این کار تا آنجا اهمیت یافته است که بودجه‌های کلان برای انتشار مطالب تفرقه‌انگیز بر علیه هر دو دسته اختصاص می‌دهند و از هیچ کوششی در این راه فروگذار نمی‌کنند. مقام معظم رهبری نسبت به این مانع نیز هشدارهای جدی و محکمی بیان فرموده‌اند و درک اهداف دشمن از وقوع این جنگ و تفرقه‌ها را مؤلفه‌ای مهم برای اتحاد و انسجام امت اسلامی در حاکمیت اسلامی می‌دانند: «امیرالمؤمنین را مایه اختلاف بین شیعه و سنی و فرقه‌های اسلامی قرار ندهید. امیرالمؤمنین نقطه وحدت است، نه نقطه افتراق. برادران و خواهران ما در سرتاسر کشور به این حرف اطمینان کنند. اطلاعات ماها از حوادث خیلی زیاد است. من به عیان می‌بینم دست‌های بسیار فعالی درکارند برای ایجاد اختلافات مذهبی؛ جنگ شیعه و سنی؛ نفرت مذاهب اسلام از یکدیگر. کتاب نوشته می‌شود علیه شیعه، کتاب نوشته می‌شود علیه سنی؛ وقتی دنبال می‌کنیم، می‌بینیم پول هردوی این کتاب‌ها از آن طرف مرزها و از یکجا آمده است. هر مذهبی عقاید و استدلال خود را دارد. در پشت میز استدلال و مباحثه، هرکس توانست غالب بشود، غالب بشود؛ اما فضای جامعه را نباید فضای جنگ، دعوا و منافرت قرار داد. امیرالمؤمنین محور وحدت است. همه دنیای اسلام در مقابل امیرالمؤمنین خاضع‌اند؛ شیعه و سنی ندارد. در طول تاریخ اسلام، هم در دوران اموی و هم دوران عباسی گروه‌هایی دشمن امیرالمؤمنین بودند؛ اما عامه دنیای اسلام - چه سنی مذهب، چه شیعه مذهب - امیرالمؤمنین را تجلیل می‌کنند. شما ببینید ائمه فقهی اهل سنت درباره امیرالمؤمنین شعر مدح دارند. اشعار معروفی که گفته می‌شود، مال شافعی است. امام شافعی درباره امیرالمؤمنین اشعار مدح‌آمیز دارد. نه فقط درباره

امیرالمؤمنین، بلکه درباره همه یا اغلب ائمه اینها خاضع‌اند. برای ما شیعیان، مقام و موقعیت این بزرگوارها شفاف، روشن و واضح است؛ اما نتوانستند برای خودشان این مسائل را روشن کنند. در مقام بحث و مجادله علمی و بحث علمی این چیزها قابل روشن شدن است. منطق ما خیلی قوی است؛ اما عده‌ای امروز در عراق، در نقاط مختلف دنیای اسلام و به خصوص در ایران سعی‌شان این است که دعوا بیندازند. ما می‌بینیم که قضیه از کجاها دارد آب می‌خورد» (بیانات رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران، 15/8/1383).

مقام معظم رهبری این ترفند دشمنان را به خوبی توصیف می‌فرمایند: «امروز یکی از اهداف اساسی استکبار و آمریکا در دنیای اسلام عبارت است از ایجاد اختلاف؛ بهترین وسیله هم ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی است. می‌بینید دست پروردگان استعمار در دنیا به مناسبت مسائل عراق چه حرف‌هایی می‌زنند، چه سمپاشی‌هایی می‌کنند و به خیال خودشان چه بذر نفاقی می‌پراکنند. سال‌های متمادی است که دست استعمار و دست قدرت‌طلب قدرت‌های فزون‌خواه غربی دارند این کار را می‌کنند. در حج فرصت خوبی برای آنها است تا شیعه را از سنی، و سنی را از شیعه عصبانی کنند؛ آن را وادار کنند به مقدسات این اهانت کند، این را وادار کنند به مقدسات و محبوبات او اهانت کنند. باید هوشیار بود؛ مخصوص حج هم نیست؛ در همه دوران سال و در همه میداها باید هوشیار بود. جنگ شیعه و سنی، محبوب واقعی آمریکا است. بعد از گذشت قرن‌ها رو به رو می‌باشینید – مثل کسانی که در جنگ با همدیگر رو به رو می‌شوند – با دل‌های پُر کینه نسبت به یکدیگر حرف می‌زنند؛ آنها برای اینکه این اختلاف را ایجاد کنند، در مراسم حج کسانی را اجیر می‌کنند؛ شما باید هوشیار باشید؛ مردم هوشیار باشند؛ روحانیون محترم کاروان‌ها باید با احساس مسوولیت تمام نسبت به این قضیه، متوجه باشند؛ بدانند دشمن چه می‌خواهد. غفلت بزرگی است که انسان به خیال این که از حقیقت دفاع می‌کند، از نقشه دشمن دفاع کند و برای دشمن کار کند. دیگران پول می‌گیرند، مزدور می‌شوند و این کار را می‌کنند؛ عده‌ای عوام سطحی متعصب را هم ممکن است علیه شما، علیه عقایدتان و علیه مقدساتان تحریک کنند. اگر با عملی متقابل مواجه شوند، بلاشک به هدف خودشان رسیده‌اند، آنها همین را می‌خواهند؛ می‌خواهند ما را با هم گلاویز کنند تا خیال خودشان را راحت کنند» (بیانات رهبری در دیدار دست‌اندرکاران مراسم حج، 30/9/1383).

مقام معظم رهبری این ترفند را چنین بیان می‌کنند: «گاهی دشمن برای ایجاد اختلاف – هم در بین شیعه، هم در بین سنی – از آدم‌هایی که غرض و مرضی ندارند، استفاده می‌کنند. در جامعه شیعه حرکتی انجام می‌گیرد که برای برادر مسلمان غیر شیعه تحریک کننده و حساسیت برانگیز است. عین همین عمل، در بین جامعه سنی انجام می‌گیرد، نسبت به کاری که برای شیعه حساسیت برانگیز و نفرت برانگیز است.

چه کسی این کارها را می‌کند؟ امروز دشمن واحدی در مقابل ما است؛ علاوه بر اینکه کتاب واحد، سنت واحد، پیغمبر واحد، قبله واحد، کعبه واحد، حج واحد، عبادات واحد، اصول اعتقادی واحد در جامعه اسلامی است. البته اختلافاتی هم وجود دارد. اختلافات علمی ممکن است بین هردو نفر عالم باشد. علاوه بر این ها، دشمن واحد در مقابل دنیای اسلام است. مسأله اتحاد بین مسلمانان یک امر جدی است. با این مسأله، باید این طور برخورد شود. هر روزی که این قضیه دیر شود، دنیای اسلام یک روز خسارت کرده و این روزها، روزهایی است که بعضی آن چنان حساس است که در یک عمر اثر می‌گذارد. نباید بگذارید دیر شود» (بیانات رهبری در دیدار با کارگزاران نظام و میهمانان خارجی شرکت کننده در کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی، 24/5/1374).

راهکارهای ایجاد وحدت:

الف. عملی

تمسک به اسلام؛ کفر به طاغوت؛

پافشاری در وحدت و مقاومت در برابر اشکال تراشی ها؛

حفظ روابط بین رهبری و مردم؛

ترویج روحیه اخوت؛

تحمل یکدیگر و احترام به عقاید دیگران؛

صمیمیت و محبت؛

طرح جدی موضع در فضای غیردوستانه و پذیرش اختلافات در غیر اصول و امور حاشیه ای.

ب- راهکارهای علمی

آگاهی مردم و روشن فکری؛

تلاش برای تقریب مذاهب و گفت و گوی بین فرق اسلامی و

هم اندیشي علمای فرق مختلف؛

منابع:

خمینی، سید روح الله (1367)، صحیفه نور، جلد سوم. تهران: انتشارات دفتر حفظ آثار امام خمینی (ره).